



کشل ۴



همه‌ی F ها برابرند!

۱. درویش

نه بدان اندازه که تفاوتشان به کلی محو و نامحسوس شود. بنابراین به نفر اول می‌توان نه و نیم داد که هم به هر حال افتاده باشد و هم معدلش را هرچه کمتر تحت تأثیر قرار دهیم. اما به دانشجوی دوم می‌توان پنج یا شش یا حتی هفت داد اما نه و نیم؟ هرگز. بدین شکل ضمن اینکه به هر دو کمک شده در عین حال تفاوتشان نیز لحاظ شده و احساس تبعیضی برانگیخته نخواهد شد.

نقدی که به جناب جیم وارد است این است که چرا می‌تواند ۲ را ۵، یا شش و یا حتی هفت بدهد اما یک دفعه همین جا متوقف می‌شود. مثلاً در هفت چه رمز و راز و سحری نهفته که آن را در هشت نمی‌توان یافت. آیا به روش جیم که به گمان او نه مانند روش آ «سخت گیرانه» و نه مانند روش ب «سهل گیرانه» است نامی به جز اعمال سلیقه شخصی می‌توان داد؟

آمدیم و جناب جیم به هر دو دانشجو به اندازه دو نمره کمک کرد، یعنی به نفر اول نمره نه و به دومی چهار داد چنانکه تفاوت پنج نمره‌ای آنان همچنان برقرار بماند. آیا در این صورت او بلاخره کار درست را انجام داده است؟ آیا او بدین سان کیمیای اعظم را یافته و در کار کرده، از گل طلا بر آورده و از خرمهره گوهر؟
آیا اکنون دانشجوی دوم، همانکه نمره ۲ گرفته بود حق ندارد بگوید:

با این وضع من از درسی سه واحدی نمره چهار گرفته و به ضرس قاطع امکان جبران این کمبود نمره توسط نمرات دروس دیگر بسیار کم است. این نمره عملاً تمامی امکانات دیگر مرا هم در این ترم تحت الشعاع قرار می‌دهد. اگر من این درس را نیاموختم باید بار دیگر آن را اخذ می‌کردم. اما با این

در میان معلمان ریاضی، به خصوص، معلمان دانشگاه، مسئله‌ای وجود دارد که گاه باعث گفتگوهای پرشور اما بی‌نتیجه‌ای می‌شود. پرسش این است: دو دانشجو را تصور کنید که نمره نهائی آنها در درسی به ترتیب ۲ و ۷ شده است. ارزیابی «درست»^۱ این دو نفر چطور باید باشد؟ بعضی از رویکردها به این موضوع را به طور خلاصه بیان می‌کنیم.

آ) به هر دو نفر نمره خودشان را بدهیم از این رو که نمره خودشان است. بهتر است در نمره آنها هیچ دخل و تصرفی نشود. هر یک نتیجه کار خود را ببینند و با آن بدون هیچ جرح و تعدیلی روبرو شود. ب) هر دو به هر حال افتاده‌اند ولی افتادن با این نمرات بر معدل آنها سخت مؤثر می‌افتد و احتمال مشروط شدن آنها را سخت افزایش می‌دهد. برای جلوگیری از چنین ضربه سختی به آنان، به هر دو، بالاترین نمره ممکن را بدهیم (نه و نه دهم=۹.۹).

اما با چنین رویکردی دانشجویی که نمره هفت گرفته حق ندارد به اعتراض برخیزد و بگوید:

چرا میان من و آن دیگری هیچ فرقی لحاظ نشده؟ به هر حال من به میزان پنج نمره از آن دیگری درس را بیشتر فهمیده بودم اما در این روش نمره‌دهی هیچ اثری از این تفاوت دیده نمی‌شود. درست است که با این نمره احتمال مشروط شدن کمتر است اما در عین حال شاهد نوعی تبعیض و بی‌عدالتی نیز هستیم که هضم آن آسان نیست.

ج) روش‌های سخت‌گیرانه آ و سهل‌گیرانه ب به ترتیب از انصاف و عدالت به دوراند^۲. البته که باید به هر دو نفر قدری کمک شود اما

^۱ گفتیم درست اما درست منظورمان را از درست روشن نکردیم. شاید منظور از درست در اینجا اتخاذ رویکردی است که بهترین نتیجه و دستاورد آموزشی پرورشی را برای هر دو دانشجو داشته باشد. اگر درست به معنای قانونی می‌بود، آ هم قوانین آموزشی دانشکده‌ها، به نظر می‌رسد که این قانون در قبال چنین ظرافتی چشم بر هم می‌نهد یا در بهترین حالت چون ژاور (ضد) قهرمان سختگیر رمان «بینوایان» حکم می‌دهد و عمل می‌کند. رویکردی که کم و بیش در نسخه پیشنهادی آن تجویز می‌شود.
^۲ در اینجا میان انصاف و عدالت تفاوتی قائلیم که البته روشن ساختن این تفاوت ما را از بحث دور می‌کند. شاید منظور ما از انصاف نوعی عدالت عجین با شفقت و مهر است، شکلی از مروت. کمی ژان والزان تر نسبت به عدالت ژاوری.

خسته‌گان را چو طلب باشد و قوت نبود - گر تو
بیداد کنی شرط مروت نبود

و چقدر عجیب که در این مورد شرق و غرب کم و بیش باور مشابهی دارند. آنچه مسلم است این است که ما نیاز به گفتگو، استدلال و ارزیابی و سنجش نظراتمان داریم. تمامی مبادی و شالوده‌های افکار ما باید مورد بازاندیشی قرار گیرند. از کوچکترین موضوعات تا دشوارترین آنها. ممکن است هم‌اندیشی درباره موضوعات کوچکتر و ملموس‌تری از این دست ما را برای رویارویی با مسائل کلان‌تری چون عدالت در مفهوم کلی آن آماده کند. دوستی می‌گفت «آدم‌های بزرگ را از کارهای کوچکشان می‌توان شناخت». ای بسا با اندیشیدن در باب مفهوم موضعی عدالت و حالتی خیلی خاص از آن، قضیه‌ای سرتاسری^۳، در باب این مفهوم با ارزش اثبات کنیم. اگر این سطور خوانندگانی بیابد امید ما همه آن است که آنها به نوبه خود گامی فرا پیش نهند و دیدگاهشان را در باب این موضوع به رشته تحریر درآورند تا در این ستون به چاپ رسد.

* درویش ریاضت‌کش ریاضی‌خوان

نمره تمامی نمرات خوبم در این ترم و تمامی دروسی که آنها را با علاقه خواندم و گذراندم نیز از این نمره پایین اثر می‌پذیرند. این کار شما شناس و امید مرا برای شروعی مجدد به غایت کاهش داد. آیا هدف واقعی ارزیابی "درست" شما همین بود؟

موضوع هنگامی حساس‌تر می‌شود که به یاد بیاوریم اخیراً گروه‌هایی از دانشجویان برای اخذ مجدد یک درس باید هزینه‌ای بپردازند و این موضوع علاوه بر تأثیر بر معدل به لحاظ اقتصادی هم بر آنان گران می‌آید؛ مصداقی بارز از «ماندن از یار و نرسیدن به دیار». شاید نظام آموزشی ما، دقیق‌تر گفته باشیم روش ارزیابی ما در این نظام، کاستی‌های فراوان دارد. شاید نظام ارزیابی غربی که در آن F، به معنای پاس نکردن درس است بر این روش ما رجحان داشته باشد. تو گوئی بنیانگذاران این نحوه از ارزیابی همه افتاده‌ها را به یک چشم می‌نگرند. صاحب این کیبورد (آخر در حال تایپ‌ام و گرنه می‌نوشتم قلم) نمی‌داند در آن نظام‌های آموزشی نقش F در معدل دانشجویان چه قرار است؟ ولی این روشن است که نقش آن هر چه باشد همه F ها برابrand و نقش یکسانی در معدل ایفا می‌کنند. شاید حق با حافظ، شاعر بزرگ مشرق زمینی‌مان است که:

آگهی

ده سری پوستر رنگی: پنج سری به قطع ۵۸×۸۸ سانتی‌متر به نام‌های ابوریحان بیرونی، ابوالوفا بوزجانی، ابوعبدالله محمدبن موسی خوارزمی، غیاث‌الدین ابوالفتح عمر خیام و غیاث‌الدین جمشید کاشانی و پنج سری پوستر به قطع ۴۸×۶۸ سانتی‌متر به نام‌های تمدن اسلامی، دوران طلایی یونان، دوران‌های اولیه، عصر نوین و نوزائی (رنسانس)، از انتشارات ستاد ملی سال جهانی ریاضیات در دبیرخانه انجمن موجود است. بهای این ده پوستر ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و هزینه ارسال آن‌ها ۳۰۰/۰۰۰ تعیین شده است. این مجموعه زیبا و پرمحتوا می‌تواند زینت‌بخش کتابخانه‌ها، سالن‌ها، کلاس‌ها، اتاق‌ها و راهروهای دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها و مجامعی نظیر فرهنگ‌سراها و خانه‌های ریاضیات باشد. از علاقه‌مندان، به‌ویژه مسئولان و مدیران محترم تقاضا می‌شود جهت خرید این مجموعه نفیس با دبیرخانه انجمن تماس بگیرند.